

قطعه نامه

دومین مجمع عمومی

سازمان زنان هشت مارس

(ایرانی - افغانستانی) در مورد جنبش زنان ایران

از نشریه هشت مارس شماره ۴، آبان ۱۳۸۰

رشد جنبش های توده ای در سراسر جهان بطور مشخص مبارزاتی که در سطح جهانی علیه نظام سرمایه داری و گلوبالیزاسیون برافزوده، فضای مبارزاتی جدیدی را موجب شده است. فضایی که ابعاد نوینی به مبارزات توده ای در کلیه کشورها داده است. این مبارزات پاسخی است به تشدید مستمری در ابعادی بی سابقه که علیه مردم روا می شود.

مبارزات زنان چه در سطح جهانی و چه در ایران در متن چنین شرایطی است که در حال تکامل و گسترش است. و بیش از هر زمان دیگری این سؤال را در مقابل جنبش زنان قرار می دهد که در این دور نوین خیزش های مردمی کجای کار قرار دارند و چه نقشی می توانند و باید ایفاء کنند.

در ایران نیز ما شاهد رشد و گسترش مبارزات زنان هستیم. این مبارزات اگرچه با افت و خیز جلو می روند اما ادامه دار بوده و زنان متعلق به اقشار و طبقات مختلف را به تحرک واداشته است. گسترش روحیه مبارزه جویانه زنان، مناسبات سنتی میان زن و مرد را زیر سؤال برده است. زنان از هر فرصتی برای مقابله با مناسبات خفقان آور سنتی و حاکمیت مردان و تقویت همبستگی زنانه میان خود سود می جویند. این روحیه طغیانگرانه در میان دختران جوان و دانشجو بسیار بیشتر محسوس است. این روحیه بصورت حرکت های مبارزاتی در صحنه اجتماعی نیز بروز می یابد: مبارزات زنان کرد، مبارزات دختران دانشجو در اعتراض به حجاب و ... حضور قدرتمند زنان زحمتکش در صفوف اولیه مبارزات جاری در مناطق حاشیه ای شهرها.

موجی از تشکل یابی زنان به اشکال گوناگون و در سطوح مختلف و در میان زنان مختلف برافزوده است. اگرچه اینگونه اشکال بخاطر شرایط خفقان و هم چنین محدودیت های دیگر هنوز ابتدائی اند. کماکان بار اصلی بر دوش زنانی است که در دوران انقلاب فعال سیاسی بوده و از تجارب بسیاری برخوردارند.

در چنین شرایطی رژیم از یک سو سعی می کند با سرکوب عریان زنان را مرعوب کند و از سوی دیگر با ترفندهای عوامفریبانه «دوم خردادی ها» نیروی طغیانگرانه زنان را مهار و کنترل کند. بهمین جهت باید نمایندگان اصلی این ترفند در جنبش زنان، یعنی «فمینیست های اسلامی» افشا شوند.

جنبش زنان علیرغم ظرفیت های برشمرده، کماکان از پراکندگی، خرده کاری و محدودنگری رنج می برد. نبود دورنما و چشم انداز انقلابی و آگاهی انقلابی، تاثیرات منفی بر میزان تشکل یابی زنان می گذارد. بسیاری از زنان علیرغم اینکه نسبت به ستم جنسی از حساسیت بالائی برخوردارند، اما از اینکه قادرند با مبارزات خود نقش و رسالتی در رابطه با تحولات کلی جامعه ایفا کنند، دچار تردیدند. تردیدی که نسل قبلی زنان نیز دچار آن بود و اینک با رشد مبارزات گوناگون در سراسر جامعه زمینه از میان رفتن این تردید فراهم شده است. در این میان کمبود دورنمای انقلابی در میان نسل جوان زنان و در دسترس نداشتن تجارب تاریخی نیز نقش منفی در تشکل یابی گسترده آنان دارد.

تمامی مسائل بالا در جنبش زنان تاثیرات خود را بشکل پائین آمدن سطح توقعات و دست یازیدن به راه حل های رفرمیستی که مدام توسط جریان رفرمیست در جامعه دامن زده می شود، نشان می دهد. برای ایجاد تشکلات پایدار، گسترده و رادیکال در جنبش زنان باید بر این مشکلات فائق آمد. برای رفع این مشکلات باید آگاهانه نقشه و برنامه داشت و این بر عهده همه فعالین جنبش زنان است بر عهده همه تشکلات زنانی است که به هیچ روی با هیچ شکلی از زن ستیزی، مردسالاری و پدر سالاری سرسازش ندارند.

راه حل این است که گرایشات انقلابی جنبش زنان تلاش بیشتری نمایند و کمک کنند که قطب بندی روشنتری درون گرایشات مختلف جنبش زنان صورت گیرد. و از این زاویه افشاء راه حل های رفرمیستی که سطح توقعات زنان را پائین می آورد، نقش آنان را در تحولات جامعه محو یا کم رنگ می کند، تشکلات زنان را به دردل های زنانه محدود کرده و روحیه مصاف جویانه را تضعیف می کنند، باید افشا شوند.

موقعیت جنبش زنان نیز با بررسی اشکال مستمری جنسی و موقعیت عینی آنان در جوامع غربی ممکن است. از یکسو زنان ایرانی هنوز بشدت تحت تاثیر مناسبات عقب مانده و سنتی و ضد زن در ایران هستند و این مناسبات بر موقعیت و زندگی آنان تاثیر مستقیم دارد، در کشورهای میزبان نیز بعنوان شهروند درجه سوم شناخته شده و خود موجبی است برای تقویت ستم جنسی بر آنان. از سوی دیگر در همین کشورهای امپریالیستی امکان ارتقا آگاهی زنانه و مبارزه علیه ستم جنسی نیز برای زنان فراهم آمده است. بهمین جهت ما شاهد اشکال مختلف تشکل یابی زنان در خارج هستیم. در خارج هم گرایشات گوناگون درون جنبش زنان وجود دارد مثلا علاوه بر گرایشات «دوم خردادی»، گرایشاتی از قبیل اینکه زنان را به مسائل درونی خود سوق می دهند مثلا اینکه زنان بجای مبارزه

علیه زن ستیزی جمهوری اسلامی، باید تمرکزشان را روی مسائل ویژه خود در این کشورها بگذارند. علیرغم گرایشات گوناگون زنان در خارج کشور کماکان اکثریت زنان ایرانی تحت تاثیر و درگیر مبارزه علیه ستم جنسی و سرکوب زنان در ایران هستند. هم زندگی آنان بدلیل همین سرکوب دستخوش تغییر شده و هم اینکه در خارج با اشکال تغییر شکل یافته همان سنن و سرکوب های عقب مانده روبرو هستند.

جنبش زنان ایرانی در خارج کشور می تواند با استفاده از موقعیتی که برخوردار است: مانند وجود دهها فعال زن با تجربه، فعالینی که تجربه جنبش متشکل زنان در سالهای انقلاب را دارند، تجربه مبارزه سر مسئله زن در سازمان های سیاسی، تجربه زندان و مقاومت، تجربه چند سال کار در جنبش زنان ایران و ارتباط با جنبش های زنان بقیه کشورها، راحتتر می توانند با هم تماس و تبادل نظر داشته باشند، از هم یاد بگیرند و به هم یاد بدهند، راحتتر می توانند متشکل بشوند و راحتتر می توانند به تجارب جنبش جهانی رهائی زن دست پیدا کنند و از آن یاد بگیرند.

و ورود دهها و صدها زن که مداوما پاپیش گذاشته، هیچگونه سازشی با هیچ شکلی از ستم ندارند، با کوله باری از تجربه اشکال گوناگون ستم جنسی، و جستجوگر آگاهی و خواست رهائی از هرگونه ستم جنسی. ادغام و اتحاد این زنان است که جنبش و مبارزات زنان را تقویت و تداوم بخشیده است.

جنبش زنان در خارج با چنین پتانسیل هایی قادر است و می تواند نه فقط صدای مبارزات زنان ایرانی باشد، بلکه باید تلاش کرده تا حداکثر سود را از این موقعیت برای اتحاد خود و اتخاذ افق روشن و ایجاد تشکلات مناسب با این اهداف، بجوید و از این طریق به مبارزات زنان در ایران کشور یاری رساند.